

جالب ترین و جدید ترین مصاحبه اشپیگل با مشرف (تهیه و گردآورنده - زیمرروال)



این گفتگو از این جهت قابل مطالعه است که تاخوانندگان گرامی از یلانه های خطرناک ، دروغهای شاخدار و یوشش دادن به جنایات از جانب مشرف در افغانستان و بازی های دودمدار پاکستان با ائتلاف بین المللی در قبال تروریسم ، آگاه و یکباردیگر به اهداف شوم و ناپاک نظامیگران همسایه شرقی ما دقت نموده و به ماهیت کثیف اندیشه های یلید این کشور آگاه گردند.

رئیس جمهور پاکستان پرویز مشرف در یک مصاحبه اختصاصی با اشپیگل در باره ی تنوری های توطئه در باره ی قتل بی نظیر بوتو، وحشت غرب از افتادن زرادخانه سلاح های هسته ای کشورش به دستان بنیادگرایان دینی و احتمال استعفا به گفتگو نشسته است.

اشپیگل: آقای رئیس جمهور، پاکستان تبدیل به بستر مناسبی برای تروریسم شده است و القاعده می خواهد حکومت شما را واژگون کرده و سلاح های هسته ای این کشور را در اختیار گیرد. آیا می توان گفت که پاکستان خطرناکترین کشور جهان است؟

مشرف: این که دیگر مبالغه ی بیش از اندازه است. من این حقیقت را انکار نمی کنم که القاعده در اینجا در حال فعالیت است. آنها در آن نواحی که نظام قبیله ای هنوز حاکم است در حال اجرای برنامه های تروریستی خود هستند. آنها همان طراحان اصلی این بمب گذاری های انتحاری اخیر هستند. تمامی اینها واقعیت دارد، اما در یک چیز نباید کوچکترین تردیدی وجود داشته باشد: متعصبین دینی هرگز نمی توانند قدرت را در پاکستان به دست گیرند. چنین چیزی ممکن نیست. آنها نه از جهت نظامی آنقدر قوی هستند که بتوانند ارتش ما را با ۵۰۰ هزار سرباز شکست دهند و نه از جهت سیاسی. و حتی این شانس را هم ندارند که بتوانند در یک انتخابات به پیروزی برسند. آنها برای آنچه شما می گوئید بیش از اندازه ضعیف هستند.

اشپیگل: نیویارک تایمز گزارش کرده است که دیک چنی معاون ریاست جمهوری آمریکا و خانم کوندالیزا رایس وزیر امور خارجه در حال طراحی نقشه های سری برای انجام عملیاتی در همکاری با CIA در نواحی قبیله ای پاکستان هستند. آیا شما هم در این رابطه در جریان قرار گرفته اید؟

مشرف: من هرگز به نیروهای آمریکایی اجازه نخواهم داد که در خاک پاکستان دست به انجام عملیات بزنند. اگر ما نیازمند کمک آنها باشیم آنها را خبر خواهیم کرد. این ما هستیم که باید عملیات لازم را انجام دهیم و نه کس دیگری. درست قبل از شروع این مصاحبه من با یک هیئت اعزامی از دفاتر ضد اطلاعاتی آمریکا ملاقات داشتم. ما از هر جهت کاملاً باهم هم نظر هستیم و در این خصوص هماهنگی کامل وجود دارد. آنها به من اطلاع دادند که بوش مرا به عنوان یکی از صمیمی ترین دوستان خود تلقی می کند.

اشپیگل: اما دوره ی تصدی گری او تقریباً به پایان رسیده است.

مشرف: من شخصاً جای خالی او را شدیداً احساس خواهم کرد. او یک دوست است، یک انسان بسیار صادق. روابط شخصی در سیاست اهمیت دارد، اما آنچه از آن مهمتر است مناقع ملی است. اشپیگل: رئیس جمهور بعدی احتمال زیادی دارد که از دموکرات‌ها باشد. کسانی که احتمال بیشتری دارد انتخاب شوند هم اکنون اظهار کرده‌اند که اگر به قدرت برسند مسیر سیاسی پاکستان را تغییر خواهند داد. هیلاری کلینتون خواهان تحمیل نظارت آمریکا بر زرادخانه هسته‌ای پاکستان است و باراک اوباما علاقمند ارسال نیروهای آمریکایی به کشور شما است تا با افراط‌گرایان دینی بجنگند . . .

مشرف: . . . (سرش را تکان می‌دهد و می‌خندد). اشپیگل: . . . آنها همچنین احتمال دارد که کمک‌های نظامی و مالی به پاکستان را قطع کنند، آنچه از ۲۰۰۱ تا امروز بالغ بر ۱۰ میلیارد دالر بوده است. آیا پیش‌تازان انتخابات از جناح دموکرات با شما ارتباط گرفته‌اند؟ مشرف: تمامی این سیاستمدارانی که از آنها نام بردید و ظاهراً چنین سخنانی گفته‌اند به اطلاعات سری که می‌تواند به آنها دیدگاه دقیقی از وضعیت پاکستان ارائه دهد دسترسی ندارند. اگر بتوانند به آن قسم از اطلاعات سری دسترسی یابند مطمئن هستم که آنها رویکرد متفاوتی از رئیس‌جمهور قبلی اختیار خواهند کرد. چرا باید کاری کنند که پاکستان را به عنوان یک قدرت هسته‌ای دچار بی‌ثباتی سازد؟ آنها بر خلاف منافع ملی خود کاری نخواهند کرد.

اشپیگل: بزرگترین کابوس آمریکایی‌ها و غرب این است که زرادخانه هسته‌ای پاکستان به دستان متعصبین دینی بیفتد. اخیراً البرادعی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نگرانی‌هایش را در باره امنیت سلاح‌های هسته‌ای کشور شما ابراز نمود. آیا هراس از این که روزی بنیادگرایان از سیستم امنیتی تاسیسات هسته‌ای عبور کرده و به آن رخنه کنند اغراق‌آمیز است؟

مشرف: نگرانی‌های البرادعی کاملاً بی‌مورد است. قبل از آن که ما در ۱۹۹۸ به طور رسمی خود را به عنوان یک کشور دارای سلاح هسته‌ای اعلام کنیم برنامه‌های هسته‌ای ما کاملاً سری بودند. در آن زمان دانشمند برجسته‌ی ما عبدالقدیرخان با رئیس‌جمهور وقت به طور مستقیم در ارتباط بود و می‌توانست مستقل عمل کند . . .

اشپیگل: . . . امتیازی که او برای معامله غیرقانونی با کوریای شمالی، ایران و لیبی مورد بهره‌برداری قرار داد.

مشرف: هنگامی که من در ۱۹۹۹ به ریاست جمهوری رسیدم دچار این سوء ظن شدم که عبدالقدیرخان درگیر معاملات ممنوعه شده است و او را اخراج کردم. سپس تصمیم گرفتم که نوعی نظارت سرپرستی، یعنی نظارت نیروی استراتژیک ارتش را متداول کنم که مانند یک واحد نظامی برای حراست و نگهداری از ارزشمندترین دارایی‌ها سازماندهی شده است. این سیستم چنان زیر نظارت شدید قرار دارد و هرکس در آن پاسخگو است که تروریست‌ها حتی قادر به دزدیدن یک گلنگدن از یک تفنگ هم نیستند.

اشپیگل: شما این امکان و احتمال را نادیده می‌گیرید که افرادی از درون خود ارتش و سازمان ضد اطلاعات پاکستان یا ISI که با بنیادگرایان دینی همدلی نشان می‌دهند می‌توانند به این سیستم مورد نظر شما نفوذ کنند. مشرف: ISI هیچ‌گونه همکاری و فعالیت مشترک با فعالیت‌های هسته‌ای ندارد.

اشپیگل: بی‌نظیر بوتو نماد امید برای یک پاکستان دموکراتیک و میانه‌رو بود. او ادعا می‌کرد که برای انتخابات آزاد و منصفانه مبارزه می‌کند و بالاخره هم ترور شد. بسیاری از مردم پاکستان تردید دارند که انتخابات ۱۸ فوریه آزاد و منصفانه باشد و بر این باورند که شما در نظر دارید به نوعی رای‌ها را دستکاری کنید.

مشرف: آیا باید ثابت کنم که در انتخابات تقلبی صورت نگرفته؟ چگونه می‌توانم؟ من موظف بودم به دلایل امنیتی رای‌گیری را شش هفته به عقب اندازم. همه چیز مرتب خواهد بود و من از ناظرین بین‌المللی هم دعوت به عمل آورده‌ام.

اشپیگل: آیا شما حاضر به همکاری با رهبران اپوزیسیون مانند نواز شریف که دولت او را هشت سال پیش با یک کودتای بدون خون‌ریزی ساقط کردید و کسی که از شما خواسته است استعفا دهید و یا با همسر بی‌نظیر بوتو، آصف علی زرداری که در برابر مردم شما را مسئول قتل همسرش معرفی کرده، هستید؟

مشرف: منافع ملی مقدم بر هر چیز دیگر است. ما باید هر کاری می‌توانیم انجام دهیم تا پیشرفت اقتصادی ادامه یابد و ما باید به جنگ خود با تروریسم ادامه دهیم و ما نیازمند یک دولت کارآمد و دموکراتیک هستیم. من با هر کسی که در انتخابات به پیروزی برسد حاضر به همکاری هستم.

اشپیگل: چه کسی بی‌نظیر بوتو را به قتل رساند و چگونه؟ تئوری‌های توطئه بازار بسیار داغی دارند و بیشتر مردم پاکستان به نظر می‌رسد که می‌اندیشند دیگر هیچ چیزی غیرممکن نیست.
مشرف: ما هر روزه شواهد جدیدتری به دست می‌آوریم. امروز من کاملاً به نحو قابل قبولی در این باره مطمئن هستم که چه کسی او را به قتل رسانده است، زیرا ما مکالمات تلفنی افراط‌گرایان ستیزه‌جو را کنترل کرده‌ایم. ما صدای بیت‌الله محسود، تروریستی از وزیرستان جنوبی را ضبط کرده‌ایم که رضایت خود از مرگ بوتو را بیان می‌کند.

اشپیگل: خانم بوتو در روز بازگشت خود به پاکستان از تبعید در ماه اکتبر و پس از آن حمله تروریستی افراد بخصوصی را در دستگاه پلیس امنیتی مسؤل دانسته بود.
مشرف: ادعایی بسیار عجیب و غیر قابل اثبات. او دقیقاً همان سازمانی را متهم می‌کرد که در باره‌ی خطر بمب‌گذاران انتحاری به او هشدار داده بود، سازمانی که با جمع‌آوری اطلاعات، امنیت او را تضمین می‌کرد. به او هشدار داده شده بود اما او تصمیم دیگری گرفت. سه هفته قبل از مرگ او من به او اجازه ندادم که در شلوغ‌ترین میدان راول‌پندی گردهمایی تشکیل دهد. اما او بدون هرگونه سند و مدرکی افراد بخصوصی را سرزنش کرده و به آنها تهمت می‌زد. اما من چرا باید بی‌گناهی خود را اثبات کنم؟
اشپیگل: در این باره که او چگونه به قتل رسید روایت‌های متناقضی مطرح شده است.
مشرف: متأسفانه سخنگوی وزارت داخله سرخود نظری در این باره بیان کرد مبنی بر آن که در اثر برخورد سر او به دستگیره بالابر سقف کشویی اتوموبیل به قتل رسیده است. و سپس او به میل خودش یک گردهمایی مطبوعاتی تشکیل داد تا آن اظهار نظر را به طور رسمی اعلام کند. واقعیت این است که مردی که تیرانداز کرد از سمت چپ به این عمل دست زده بود. با این وجود بر روی بدن خانم بوتو در سمت راست جمجه یک جراحت وجود داشت. من بزرگنمایی از تصویر اشعه ایکس او را دیدم که در این سمت از جمجه ترک خوردگی نشان می‌داد. به دشواری می‌توان تمامی این‌ها را با همدیگر به دقت تطبیق داد و بنابراین نباید قبل از آن که تحقیقات به پایان رسیده است کسی نظری در این باره بدهد.

اشپیگل: به عقیده شما کدام روایت محتمل‌تر است؟
مشرف: شاهدینی که در خودرو بوده‌اند گفته‌اند که او قبل از انفجار سر خورده و تعادل خود را از دست داده است و کمی به راست منحرف شده و آن زاویه احتمالاً برای آن که گلوله‌ای به او اصابت کند کافی بوده است.
اشپیگل: چرا دستگاه امنیتی شما نتوانست از این سوء قصد جلوگیری کند؟
مشرف: شروع آن گردهمایی بسیار خوب سازماندهی شده بود. ورود او و سخنرانی‌اش کاملاً در امنیت قرار داشت. رفتن او به داخل خودرو مسئله‌ای نبود. اما در داخل اتوموبیل چه اتفاقی افتاد؟ همه افراد دیگر درون خودرو سالم ماندند و جراحتی پیدا نکردند. اما او خودش را به طرف بیرون خودرو دراز کرد. کسی باید به او می‌گفت که چنین نکند.

اشپیگل: شما از اسکاتلندیارد تقاضا کردید که در تحقیقات به شما کمک کنند، اما از دادن اجازه به هیئت تحقیق بین‌المللی سازمان ملل که خانواده بوتو خواهان آن بودند استنکاف ورزیدید. چرا؟
مشرف: سازمان ملل را با این قضیه چه کار؟ قتلی روی داده و ما می‌خواهیم خودمان تحقیقات لازم را به انجام رسانیم و اگر از جهت مسائل مربوط به پزشکی قانونی و جزئیات فنی مشکلی داشته باشیم از اسکاتلندیارد کمک می‌گیریم. شما نباید توانایی‌های یک کشور هسته‌ای با ۱۶۰ میلیون جمعیت و یک ارتش خوب سازماندهی شده و سرویس مخفی کارآمد را دست کم بگیرید.

اشپیگل: آقای رئیس‌جمهور، در حدود یک ماه پیش شما چنین نظر دادید که بی‌نظیر بوتو کشور را چابیده و غارت کرده است و این که وی هرگز در صحنه سیاسی کشور نقشی بازی نخواهد کرد. چه چیزی باعث شد که شما تغییر عقیده داده و به او اجازه بازگشت بدهید؟

مشرف: اظهارات آن زمان من مبتنی بر حقایق بودند. علاقه یا بی‌علاقگی شخصی من نمی‌تواند در منافع ملی تأثیری داشته باشد. اما بسیاری از مردم خواستار بازگشت او به کشور بودند. اگر بعضی می‌خواستند در یک انتخابات به او رای دهند من چه می‌توانستم بکنم؟ آیا می‌بایست فرآیند دموکراتیک کشور را تعطیل می‌کردم، همان چیزی که غرب علاقه‌ی عجیبی به آن دارد؟ شما در غرب برای دموکراسی، حقوق بشر و آزادی‌های مدنی اهمیت بسیار زیادی قائل هستید. اما ما نیز خواهان آنها هستیم ...

اشپیگل: ... و چه زمانی آنها را عملی خواهید کرد؟
مشرف: لطفاً درک کنید که اینجا پاکستان است نه آلمان. ما یک کشور در حال توسعه هستیم و باید به ما مدتی فرصت بدهید. نباید سعی کنید که دموکراسی خاص خود را به ما تحمیل کنید.

اشپیگل: شما از دو سوء قصد جان به در بردید. آیا فکر می‌کنید که ممکن است شما هدف بعدی آنها باشید؟
مشرف: گلوله‌ها یا به شما اصابت می‌کنند و یا از کنار شما رد می‌شوند. من بسیار خوش شانس بودم که به اصطلاح سوء قصد کننده‌ها نتوانستند به هدف خود برسند. اما من دست به اقداماتی زدم و می‌دانم که چگونه از خودم محافظت کنم.

اشپیگل: برای مدت زمان طولانی طالبان که امروز با القاعده کار می‌کنند توسط ISI و جهت پیشبرد منافع پاکستان در افغانستان حمایت می‌شدند. آنها بالاخره کابل را فتح کردند و پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از قدرت به زیر کشیده شدند. اکنون آنها دوباره در جنوب افغانستان در حال قدرت گیری اند. آیا آنها پیروز خواهند شد؟ مشرف: من یقیناً با طالبان به مبارزه ادامه خواهم داد. آنها مردم خطرناکی هستند. لیکن اکنون گرایش‌های امیدبخشی هم به چشم می‌خورد. در بسیاری از نقاط جنگجویان محلی که بیشتر از طالبان حمایت می‌کردند اکنون از سنیزه‌جویان القاعده دور می‌شوند.

اشپیگل: به عقیده شما کشورهای غربی و نیروهایشان و همچنین رئیس جمهور افغانستان حامد کرزای برای ثبات افغانستان چه باید بکنند؟ آیا آنها باید از طالبان استقبال کرده و با آنها وارد مذاکره شوند یا باید به حذف آنها بکوشند؟

مشرف: طی دهه ۱۹۹۰ پاکستان تنها کشوری در سطح جهان بود که دولت طالبان را به رسمیت شناخت ... اشپیگل: ... البته در کنار عربستان سعودی و امارت متحده عربی ... مشرف: ... و نه به این خاطر که از آنها خوشمان می‌آمد، بلکه این یک تصمیم استراتژیک بود. اما هنگامی که من در ۱۹۹۹ وارد صحنه سیاسی شدم به همه از جمله پرزیدنت کلینتون طی دیدار او از پاکستان گفتم که بهترین استراتژی بر علیه طالبان به رسمیت شناختن آنها و تلاش برای تغییر از درون است. اما هیچ کس با من موافق نبود. سپس نوبت به مسئله‌ای به نام اسامه بن لادن رسید. همه از من می‌خواستند که در دستگیری او یا اخراجش به غرب کمک کنم، اما آن موقع دیگر دیر شده بود. من پنج یا شش بار هیئت‌هایی برای ملاقات با ملامحمد عمر فرستادم اما نتیجه‌ای در بر نداشتند.

اشپیگل: امروز چه می‌توان کرد؟ مشرف: شما نمی‌توانید واقعیت یک اکثریت ۵۵ درصدی را نادیده بگیرید ... اشپیگل: ... ۵۵ درصد از افغان‌ها که پشتون هستند و این که طالبان بیشتر داوطلبان خود را از این مناطق به دست می‌آورند ...

مشرف: ... افغانستان همیشه توسط پشتون‌ها حکومت شده است. حالا وقت تغییر در استراتژی فرا رسیده است. باید با آنها ارتباط سیاسی برقرار کرد تا بتوان آنها را به سوی خود کشید. اشپیگل: شما در زندگی‌نامه خود «خط آتش» گفته‌اید که لباس نظامی برای شما در حکم یک پوست دوم است. پس از ۴۶ سال شما این پوست قدرتمند را از تن خود جدا کردید تا به یک رئیس جمهور غیر نظامی تبدیل شوید. در این میان چه چیز را از دست دادید؟ «خانه» دوم خود یا منبع قدرتان؟ مشرف: خانه دومم. اگر ریاست ارتش در هماهنگی کامل با رئیس جمهور و نخست وزیر کار کند، آنگاه این سه نفر وظایف خود را بهتر به انجام می‌رسانند. اشپیگل: بسیاری از آمریکایی‌های پرنفوذ در واشنگتن به نظر می‌رسد که در جستجوی یک فرد مقتدر جدید در پاکستان هستند و ظاهراً حاضرند که شما را رها کنند. به چه دلیل می‌توانید بر حمایت و وفاداری جانشین خود در ارتش ژنرال پرویز کیانی حساب کنید؟

مشرف: پس از ۴۶ سال فعالیت در ارتش شما قضاوت کردن در باره دیگران را می‌آموزید. شما در جنگ شرکت می‌کنید، غالباً در خطر هستید و روزهای سختی را تجربه می‌کنید. و حتی چیزی قوی‌تر از وفاداری شخصی وجود دارد وابستگی به یک هدف، برای یک بینش. کیانی و من در این بینش در خصوص پاکستان، در باره طالبان، القاعده؛ سیاست‌های کلی، حقوق بشر و رسانه‌ها با هم سهیم هستیم. ما هر دو از یک جنسیم.

اشپیگل: پس از هشت سال حکومت بر این کشور چه چیزی را به عنوان بزرگترین دستاورد خود می‌دانید و کدام یک را به عنوان بدترین خطای خود؟

مشرف: بزرگترین دستاورد من رقابت اقتصادی پاکستان بود، هنگامی که تازه به قدرت رسیده بودم ما در خطر ورشکستگی و تبدیل شدن به یک کشور ناموفق قرار داشتیم. من اکنون هیچ گونه تحول منفی را در پاکستان نمی‌بینم. اما البته بعضی چیزها هم می‌توانستند بهتر از این باشند. جلوگیری و خاتمه دادن به تروریسم و افراط گرایی. هنوز هم در این موارد کارهای بسیاری برای انجام باقی مانده است.

اشپیگل: ما هنوز هم نمی‌فهمیم که چرا شما در ۳ نوامبر ۲۰۰۷ حالت فوق العاده در کشور اعلام کردید. به نظر می‌رسد که پیام شما این گونه بود: شما می‌توانید میان آشوب و من یکی را انتخاب کنید. اگر قوانین اضطراری را برقرار نمی‌کردید چه اقداماتی بود که برای مبارزه با افراط‌گرایی از انجام دادنشان ناتوان می‌بودید؟

مشرف: استفاده نامحدود از ارتش یک مسئله بود، وضعیت رسانه‌ها بحرانی و همینطور وضعیت نظام قضایی و بالاترین قاضی نیز فاسد و درگیر پارتی‌بازی و به‌طور مستقیم در مسائلی مداخله می‌کرد که خارج از اختیارات قانونی او بود. میخ تابوت هنگامی کوبیده شد که او استقلال پارلمان را به چالش گرفت، همان پارلمانی که مرا به عنوان رئیس جمهور انتخاب کرده بود.

اشپیگل: ارزیابی منفی شما از قاضی افتخار چودری از دیوان عالی را همه قبول ندارند. بسیاری او را به عنوان یک مدافع شجاع قانون اساسی می‌دانند و به شدت بر علیه سیاست‌های شما تظاهرات کردند. آیا شرایطی هم وجود دارد که در آن صورت شما در فکر کناره‌گیری و استعفا از مقام ریاست جمهوری باشید؟

مشرف: بله.

اشپیگل: کدام؟

مشرف: اول از همه به خاطر تمایل خودم. متعاقب تحولات هفت یا هشت ماه اخیر استعفا دادن راحت‌ترین کاری است که می‌توان انجام داد. من علاقمند بازی گلف، بریج و تنیس هستم و بیش از آنچه موقعیت من اقتضا کند علاقمند رفت و آمد اجتماعی. من دوست دارم که استراحت کنم. باور کنید: روزی که بیندیشم اکثریت مردم مرا نمی‌خواهند و بر این تصور باشم که هر کاری می‌توانسته‌ام کرده‌ام و کار دیگری از من بر نمی‌آید حتی یک ثانیه هم درنگ نخواهم کرد. (ایران امروز و ترجمه از طباطبایی)

<http://www.spiegel.de/international/world/0,1518,528428,00.html>